

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

دوم جون ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۳۱۱

مُلِحْدَنَامَه

-۷۷-

هرکس درین دیار تهیدست و بی زر است
چون سر ز کنج خانه خویش آورد، برون
آن قلتبان نژاد، که در گلخن وجود
از روی فعل و سیرت و معنی مؤنث است
که زن به پیش گیرد و گه، مرد در عقب
بادا هزار تیز به ریشش، به هر نفس
با مُفلسی هوای کُشش نیز در سر است
رویش، به جانب حَرَمِ صالح خر است
سرگین خشک و لاشه دَجَالِ اُعور است
گرچه به اسم و جامه و صورت مذکر است
گوئی سپهر فسق و زنا را ادویکر است
زان تیزها، که تیزتر از بانگ آتندر است

^۱ - اُعور (بر وزن "انور" و "اکبر" و "اعظم"): کلمه عربی و در معنای "مرد یکچشم" است، که مؤنثش "عُورا" می شود. این ترکیب هم در شکل مذکر و هم در شکل مؤنث خود از نگاه صرف عربی "صفت مشببه" در هیئت "صیغه تفضیل" است.

^۲ - "ادویکر": نام بُرج سوم از بُرُوج دوازده گانه فلکی در نجوم یا هیئت قدیم و مراد از برج "جوزا" است، که در صورت "دوگانگی" نشان داده می شود.

^۳ - "آتندر" (بر وزن "انور"): کلمه دری و در معنای "ارعد" یا "بابه غُرغری" است. این همان کلمه ای ست، که عیناً در زبان "پشتو" نیز دیده می شود. با وجودی، که فرهنگها این کلمه را به ضمتین می آورند، اما تداول همان شکل اولی ست، که شاعر ما "شهاب" نیز قافیه را با آن برابر ساخته است.